

## Descriptive Study on "Market Share Liability" in Iranian Rules of Jurisprudence

*Ali Shirvani<sup>1</sup>, Seyed Mohamad Mortazavi Langroodi<sup>2</sup>*

### Abstract

The release of some estrogenic drugs in the sixties which produced with several therapeutic goals mostly prevention of abortion followed in similar cancer for the children born from the users. However, such cancers identified as the subsequent use of the drugs, due to a multiplicity of pharmacists and the inability of patients to identify the leading manufacturers, the law cases failed to prove damages and consequently compensations in the first stage. The reason was the allegations base which was on traditional responsibility rules that require proof of a causal relationship failed in the legal process; afterward, the new concept of the principle of compensation based on the doctrine of "Market Share Liability" could lawsuit against the makers related to their market share and compensate their loss. Similar cases in the courts of the Roman systems like Germany accepted and grew in this period, which covered the same legal issues in this area. Due to risk of such legal disputes in Iran, this descriptive article studies and examines the market share liability concepts in Iranian jurisprudence, possible legal solutions of medicals and insurances regulation and will offer advanced solutions to such disputes.

### Keywords

Liability, Market-Share, Compensation, Succinct Cause

---

1. PhD Student of Public International Law, Law School, Xiamen University, Xiamen, Fujian, P.R, China. (Corresponding author)

Email: saiedali@gmail.com

2. Assistant Professor, Islamic Azad University, Meymeh Branch, Isfahan, Iran.

Please cite this article as: Shirvani A, Mortazavi Langroodi SM. Descriptive Study on Market Share of Liability in Iranian Rules of Jurisprudence. Iran J Med Law 2019; 13(48): 91-109.

## مطالعه توصیفی «مسئولیت سهم بازار» در قواعد فقه ایران

علی شیروانی<sup>۱</sup>

سیدمحمد مرتضوی لنگرودی<sup>۲</sup>

### چکیده

در دهه شصت میلادی و مدتی پس از عرضه داروهای استروژنی قوی در ایالات متحده آمریکا که با اهداف درمانی متعدد، مانند پیشگیری از سقط جنین عرضه می‌شدند، کودکان متولدشده از اشخاص مصرف‌کننده این دارو، به سرطان‌هایی مشابه مبتلا گردیدند؛ آزمایشات مشخص بعدی نشان از این داشتند که سرطان این کودکان ناشی از مصرف داروی مذکور توسط مادر در زمان بارداری بوده است. با توجه به متعددبودن داروسازان و عدم توانایی بیماران در شناسایی سازندگان اصلی، متضررین در مرحله اول نتوانستند بر مبنای قواعد سنتی مسئولیت که نیازمند اثبات رابطه سببیت بود، در اثبات و دریافت خسارت موفق شوند، اما توانستند با استفاده از اصل جبران خسارت و نظریه «مسئولیت (ضمان) سهم بازار»، علیه سازندگان نسبت به سهم بازار طرح دعوی نمایند و خسارات خود به نسبت سهم هریک از تولیدکنندگان دریافت نمایند. این نظریه ابتدا در پرونده‌ای معروف به «سیندل» و سپس در محاکم دیگر نیز پذیرفته شد و موارد مشابه بسیاری نیز در دادگاه‌های کشورهای رومی ژرمنی همچون آلمان نیز رشد نمود توانسته مباحث حقوقی مختلفی در این زمینه را پوشش دهد. با توجه به احتمال بروز دعوی حقوقی مشابه در کشور ما، این پژوهش با مطالعه تطبیقی مبانی و مفاهیم نظریه مسئولیت سهم بازار، پیشنهاد به بروزسانی قوانین و مقررات حوزه پزشکی و سپس بیمه‌ای در این راستا می‌نماید، چراکه بهره‌گیری از نظریه «مسئولیت (ضمان) سهم بازار» که علی‌رغم وجود قواعد فقهی مرتبط و مترقی در آن رابطه، تاکنون با سکوت قانونگذار داخلی مواجه بوده و خلأهای ناشی از آن در مقررات‌گذاری در این حوزه احساس می‌گردد.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، جمهوری خلق چین، دانشکده حقوق دانشگاه شیامن، شهر شیامن، استان فوجیان، جمهوری خلق چین. (نویسنده مسؤول)  
Email: saiedali@gmail.com

۲. استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، میمه، اصفهان، ایران.

### واژگان کلیدی

مسئولیت، سهم بازار، جبران خسارت، سبب مجمل

## مقدمه

امروزه ثابت شده است که مصرف داروها، به خصوص داروهای مربوط به زمان بارداری ممکن است سال‌ها بعد در افراد متولدشده خسارات شدیدی وارد نماید. با پیشرفت علم پزشکی و تسهیل استفاده از روش‌های علمی برای اثبات رابطه سببیت میان نتایج مصرف داروها و عوارض حاصل‌شده از آن، نیاز به روزرسانی قوانین جهت رفع نیازهای جدید و جبران به موقع خسارات متضررین، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

مطالعه تطبیقی پرونده‌های حقوقی کشورهای دیگر در این زمینه، فرصتی برای بازسازی نظام حقوقی مرتبط با مسؤلیت داروسازان و واردکنندگان آن را در جهت پیشگیری از تکرار چنین حوادثی فراهم می‌آورد (۱).

در نظام حقوقی ایران و رویکرد نخستین نسبت به موضوعات مشابه، اصل ۴۰ قانون اساسی به صراحت ضمن پذیرش قاعده لاضرر و اصل جبران خسارت، بیان می‌دارد: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» و اصل ۱۷۱ را نیز به عنوان مبنایی به این معنا که هرگاه بر اثر تضمین یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی شود، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت را دولت جبران می‌کند، اما از طرفی نتایج و مقایسه طولانی‌شدن پرونده معروف به خون‌های آلوده نشان از نبود قوانین روزآمد و مرتبط چه در زمینه کیفری و مجازات مسببین عمدی احتمالی در داخل و خارج از کشور و چه در زمینه جبران خسارت توسط مسببین غیر عمد و همچنین بیمه‌ای برای دریافت خسارات مصرف‌کنندگان، دارد. از طرف دیگر با توجه به کمبود آمار و اطلاعات از دادخواهی و دادرسی پرونده‌های مربوط به عوارض مصرف داروهای تولید داخل و یا واردشده، نمی‌تواند دلیل قطعی بر نبود ورود خسارات بر بیماران و مصرف‌کنندگان فرآورده‌های دارویی باشد (۲).

بررسی‌های مطالعاتی در خصوص عمده مصرف‌کنندگان دائم فرآورده‌های دارویی و قانونگذاری در این زمینه، نشان می‌دهد که طی ۲۰ سال گذشته قوانینی که در این زمینه به بهبود وضعیت بیماران خاص بیانجامد تصویب نشده است (۳). این پژوهش با انتخاب موضوع «مسؤلیت سهم از بازار»، پرونده‌ای عام‌الشمول که جزء روزآمدترین موارد مشابه می‌باشد و بر

اساس روش توصیفی و مقایسه تطبیقی با تمرکز بر زمینه‌های فقهی روند منجر به دریافت خسارت، به نتیجه‌گیری و پیشنهاد در این زمینه خواهد پرداخت. نتایج این پژوهش از سویی مورد نیاز مراکز پژوهشی مرتبط با قانونگذاران، مراجع قضایی، بیمه‌گذاران و بیمه‌گران و دیگر استفاده‌کنندگان می‌باشد و از سوی دیگر می‌تواند بستر ساز تصویب قوانین جدید از طریق بازنگری در برخی قوانین مادر و زیرمجموعه‌هایی مانند قانون مدنی، قوانین نظام سلامت، بیمه سلامت، حمایت از حقوق بیماران، بیمه به طور اعم و... گردد.

### مفهوم نظریه مسؤولیت سهم از بازار

نخستین بار مفهوم «مسؤولیت (ضمان) سهم از بازار (Market-Share Liability)» در دعاوی ناشی از عرضه و توزیع داروهای استروژنی قوی که برای زنان در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی تجویز می‌شد و دارای اهداف درمانی متعددی از جمله پیشگیری از سقط جنین بود، توسعه یافت (۴). سال‌ها پس از مصرف این‌گونه داروها، بچه‌هایی متولد شدند که دچار سرطان گردیدند و ادعا نمودند سرطان‌شان ناشی از خوردن داروی مزبور توسط مادرانشان بوده است. این افراد اغلب قادر به شناسایی سازندگان خاصی که دارو را به آنان فروخته بود، نشدند. بنابراین بر مبنای قواعد مسؤولیت سنتی - که نیازمند اثبات رابطه سببیت بود - نتوانستند ادعایشان را ثابت کنند و این موضوع ابتدا توسط قاضی دادگاهی در کالیفرنیا و بر اساس نظر قاطع سه‌چهارم از هیأت‌منصفه در پرونده معروف به «سیندل» (۵) پذیرفته گردید؛ خواهان در این پرونده به دلیل مصرف قرص‌های جلوگیری‌کننده از سقط خود به خودی (Miscarriage) سقط خود به خود شایع‌ترین عارضه در بارداری است) توسط مادر خود، در سال‌های بعد به سرطان مبتلا شده است (۶). کارشناسان مربوطه، سبب نزدیک (Proximate Cause) سرطان دستگاه تناسلی (Reproductive Tract Cancer) خواهان را استفاده مادر وی از قرص‌های مصرف‌شده فوق دانستند که به منظور جلوگیری از عارضه سقط خود به خودی، توصیه گردیده بود. در این پرونده، خواهان (متضرر) زن جوانی بود که مادرش از داروی استروژنی (Diethylstilbestrol (DES)) به منظور جلوگیری از سقط خود به خودی جنین، در زمان حمل وی، استفاده و در نتیجه مبتلا به سرطان گردیده بود؛ به دلیل وجود تعداد بسیار تولیدکنندگان و سپری شدن زمان طولانی از مصرف این دارو توسط مادر خواهان و همچنین

مثلی بودن آن، در این پرونده، امکان تشخیص شرکت تولیدکننده قرص‌های مزبور برای خواهان وجود نداشته است، در نتیجه دادگاه با تصمیمی توسط سه چهارم اکثریت هیأت منصفه، رأی به نوع جدیدی از مسؤولیت با نام سهم بازار می‌نماید (۷). با توجه به آنچه آمد، در برگردان حقوقی، اصطلاح انگلیسی مذکور، مفاهیم مسؤولیت از مصدر سؤال و به معنی پرسیدن، درخواست کردن و بازخواست کردن است [شامل مدنی و کیفری و یا ضمان [در لغت به معنای بر عهده گرفتن، کفیل شدن، التزام و تعهد می‌باشد] به صورت تقریبی و مترادف می‌باشند، لکن با توجه به لغت‌شناسی برگردان مسؤولیت تا حد بسیار زیادی به مفهوم بالا نزدیک تر می‌باشد.

#### ۱- عناصر اصلی مسؤولیت سهم بازار

مطابق آنچه آمد، به طور کلی و در حد متعارف، جهت دادخواهی بر مبنای نظریه مسؤولیت سهم بازار، چهار شرط لازم وجود دارد:

۱- سهم قابل ملاحظه از بازار؛

۲- مثلی بودن فرآورده؛

۳- زمان؛

۴- ناتوانی طبیعی در احصای خواندگان که شرح و توضیح هر کدام به ترتیب در ذیل آورده می‌شود (۸).

۱-۱- **سهم قابل ملاحظه از بازار:** بر مبنای این مفهوم، خواندگان می‌بایست تمامی «سهم قابل ملاحظه از بازار (Substantially all of the Market)» را می‌داشته‌اند. به عبارت دیگر تمامی خواندگان، تمام سهم قابل ملاحظه و نه تمامی سهم بازار آن فرآورده مضر را می‌داشته‌اند. این موضوع، عامل متمایزکننده نظریه مسؤولیت سهم از بازار از نظریه مسؤولیت جایگزین می‌باشد (۹).

دلیل اصلی برای وجود نداشتن، تمامی سهم از بازار، سپری شدن زمان طولانی و خارج شدن برخی از شرکت‌های دارنده سهم بازار و به همان سبب، سنگین تر شدن بار اثباتی موضوع تسط خواهان می‌باشد و از طرف دیگر در صورت وجودی تمامی تولیدکنندگان آن فرآورده، خواهان می‌توانست از نظریه مسؤولیت جایگزین استفاده نماید (۱۰).

۲-۱- **مثلی بودن فرآورده:** فرآورده مصرفی می‌باید از اموال مثلی (مشابه (Fungible) باشد که در اینجا منظور، ترکیب یکسان ایشان است. در پرونده‌های مشابهی، دادگاه خواسته ایشان را به علت، به کارگیری ترکیب شیمیایی و یا مقدار متفاوت آن، رد نموده است (۱۱).

۳-۱- **زمان بازار:** تمامی خواندگان می‌بایست در زمان مورد نظر، در بازار مصرف یادشده حضور می‌داشته‌اند.

۴-۱- **ناتوانی طبیعی در احصای خواندگان:** عدم توانایی احصای یکی از خواندگان پرونده نمی‌بایست از کاستی‌های خواهان باشد؛ این امر به ویژه در زمینه داروسازی موضوعیت پیدا می‌کند که تنها دارویی ژنی برای مصرف تعیین می‌گردد و مصرف‌کننده آگاهی از تولیدکنندگان آن ندارد (۱۲).

چهار مفهوم بالا، مبنای اصلی نظریه مسؤولیت سهم بازار را تشکیل می‌دهند و دادگاه‌ها و صلاحیت مختلف در آن متفاوت می‌باشد و دادگاه اجازه خواهد داد که خواندگان با رد آن‌ها از بار مسؤولیت بری گردند (۱۳). این شروط را از آنجا می‌توان لازم دانست که در سال‌های بعد از دهه شصت و هفتاد میلادی، بسیاری از دادگاه‌ها با توجه به عدم هر یک از آن‌ها از پذیرش دعاوی مشابه خودداری نموده‌اند (۱۴).

## ۲- تعریف نظریه مسؤولیت سهم بازار

مسؤولیت مدنی، بیمه و تأمین اجتماعی سه شریک عمده جبران خسارت زیان‌دیدگان محسوب می‌شوند، چنانچه خسارت از طریق مسؤولیت مدنی و یکی یا هر دو نظام دیگر قابل جبران باشد، مسأله نحوه جمع مبالغ قابل پرداخت از طریق بیمه و مزایای تأمین اجتماعی و حق جبران خسارت از طریق نظام مسؤولیت مدنی مطرح می‌شود (۱۵). در این زمینه در نظام‌های حقوقی دنیا چهار راه زیر وجود دارد: ۱- اختیار زیان‌دیده در مراجعه به واردکننده زیان یا استفاده از بیمه و مزایای تأمین اجتماعی؛ ۲- پذیرش جبران خسارت مضاعف زیان‌دیده؛ ۳- مراجعه شرکت بیمه و نهاد تأمین اجتماعی به واردکننده زیان برای استرداد مبالغ پرداخت شده به زیان‌دیده؛ ۴- کاستن از بار مسؤولیت واردکننده زیان به اندازه مبلغی که زیان‌دیده از بیمه یا تأمین اجتماعی دریافت می‌کند.

در مجموع و با توجه به مفاهیم مرتبط در زبان حقوقی، نظریه مسؤولیت سهم بازار را در دو بخش مربوط به تعریف قانونی و نحوه دادرسی، این‌گونه می‌توان تعریف نمود:



مبحث اول، اصل جبران خسارت دارندگان بخش قابل ملاحظه از سهم بازار یک فرآورده دارای مشخصات یکسان، در هر زمان مسؤول جبران خسارات وارده به مصرف‌کنندگان آن فرآورده بر مبنای سهم خود از بازار می‌باشند، مگر آنکه اثبات نمایند فرآورده ایشان سبب خسارت نبوده است.

در شرح و بسط این نظریه می‌بایست به جنبه مدنی آن از زاویه عدم مشمولیت مرور زمان نیز اشاره داشت که در هر صورت صرف بروز خسارت و عدم مطالبه آن در زمان تشخیص نیز مورد اشاره قرار نگرفته است و مطالبه آن در سال‌های پسین شروع دوره زمانی ورود خسارت، خللی در مطالبه آن و یا تبری مسؤولین احتمالی وارد نساخته است (۱۶).

با توجه به موارد آورده شده، نزدیک‌ترین شاخص‌های نزدیک به مفاهیم و اصطلاحات حقوقی و فقهی این نظریه را می‌توان «اصل جبران خسارت» و «سبب مجمل» (۱۷) دانست که بیشترین قرابت را با واژگان حقوقی داخلی داشتند.

### ۳- شاخص‌های مسؤولیت سهم از بازار

مسؤولیت سهم از بازار را می‌توان دارای دو شاخص تعریفی دانست که اولی، یعنی اصل جبران خسارت دارای ریشه و ابعاد بین‌المللی نیز هست؛ دومی، سبب مجمل که به رابطه سببیت و تعدد اسباب و ورود زیان از مباحث مهم مسؤولیت مدنی می‌پردازد.

۱-۳- اصل جبران خسارت: شاخص‌ترین موضوع حقوقی مورد توجه این نظریه را می‌توان «اصل جبران خسارت» که اصلی بین‌المللی و مربوط به عرف حقوق بین‌الملل می‌باشد و همچنین در برخی از کشورهای مانند سوئد و اتریش نیز به صورت مواد قانونی و در مبانی فقهی نیز جسته و گریخته پذیرفته شده است (۱۸)، دانست. با این حال بررسی‌ها نشان‌دهنده این موضوع است که علی‌رغم پذیرش مفاهیم جبران خسارت در منابع فقهی و حقوقی، تعریف روشن، جامع و کاملی از آن در این منابع نیامده و مفهوم اصل جبران خسارت بدون تعریف معین در متون حقوقی به کار گرفته شده است (۱۹) و هر قسمت از مفاهیم مربوط به آن را باید در قاعده‌ای فقهی پیگیری نمود (۲۰). بسیاری از ابعاد کلی موضوع در قواعد لاضرر، اتلاف، تسبیب و در نهایت قرعه، آمده است (۲۱) که در این خصوص می‌توان گفت مسؤولیت سهم از بازار نیز ترکیبی از قواعد، فقهی، حقوق مدنی و آیین دادرسی مدنی است که به صورت یک جا به کار رفته است (۲۲). آنچه از مطالعه آثار مربوط به جبران خسارت مادی، معنوی و... برمی‌آید

این است که بر مبنای اصل جبران خسارت، هیچ خسارتی نباید بدون جبران بماند و بنا به دلایلی نیز که در بالا آمد، یکی از شاخص‌های اصلی نظریه مسؤولیت سهم بازار، همین موضوع می‌باشد که علی‌رغم گذر سالیان و احتمال از بین رفتن شخصیت حقوقی مسؤولین خسارات وارده و همچنین مشکلات فراوان اثبات تقصیر و یا مسؤولیت اصلی مسببین و یا مقصرین احتمالی، در دادگاه پذیرفته شده و به عنوان مبنای رسیدگی مورد توجه قرار گرفته شده است. در راستای پذیرش این اصل همچنین می‌توان به قاعده «الخراج بالضمنان» نیز استناد جست و یکی از مبنای پذیرش آن اصل جبران خسارت دانست (۲۳) که در این خصوص ادله و براهین مختلفی در توجیه و تفسیر پرداخت دیه از بیت‌المال که از مصادیق روشن مسؤولیت ناشی از عمل غیر است، بیان شده است. از جمله قصور حکومت در ایفای وظایف خویش که منجر به بروز حادثه و جنایتی شده و وجود برخی از ملاحظات اجتماعی، سیاسی و عاطفی، از دیگر مبنای مسؤولیت بیت‌المال در پرداخت دیه است و این همان موضوع مرتبط با اصل جبران خسارت است (۲۴).

**۲-۳- سبب مجمل:** همانطور که شرح داده شد و در راستای بررسی نظریه مسؤولیت سهم بازار، شاخص دوم تعریف این نظریه در حقوق داخلی را می‌توان «سبب مجمل» دانست. رابطه سببیت و تعدد اسباب و ورود زیان از مباحث مهم مسؤولیت مدنی می‌باشند. یکی از صورت‌های تعدد اسباب آن است که افراد گروه محصور، افعال مشابه و هم زمانی را انجام دهند و در اثر فعل یکی از افراد که به طور تفصیل و مشخص معلوم نمی‌باشد، خسارتی به بار آید. در این موارد، سبب حادثه اجمالاً معین، ولی تفصیلاً معلوم نیست. برای یافتن مسؤول جبران خسارت، راه کارهای مختلفی پیشنهاد شده که غالباً در لزوم جبران ضرر و حمایت از زیان‌دیده وجه مشترک دارند. آنچه مسلم است در این نوع از مسؤولیت، نوعی شبهه در خصوص مسؤول واقعی وجود دارد.

بنا بر برخی نظریه‌های موجود، با تعیین نوع شبهه، می‌توان حکم شبهه غیر محصوره یا سبب ناشناس و شبهه محصوره یا سبب مجمل را از یکدیگر تفکیک نمود. در خصوص شبهه نوع اول، نمی‌توان زیان‌های حاصل از فعل زیان‌بار را به شخص یا اشخاص معینی نسبت داد و باید قائل به مسؤولیت بیت‌المال در خصوص پرداخت خسارت شد که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در ماده ۴۸۷ در این موارد، مسؤولیت بیت‌المال را پذیرفته است، هم‌چنانکه

در خصوص قاعده خراج نیز به آن اشاره گردید، در این ماده چنین آمده است: «اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد»، هرچند این ماده در رابطه با قتل است، اما با توجه به این‌که در مواردی که مسؤول حادثه در غیر قتل، نیز مشخص نیست یا در میان عده‌ای از اسباب نامحصور باشد، به منظور حمایت از زیان‌دیده و جبران خسارت وارده به وی، بیت‌المال را می‌توان مسؤول خسارت وارده دانست، چنانکه در ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه زمینی در موارد ناشناخته‌ماندن عامل خسارت، قانونگذار صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را ملزم به جبران خسارت زیان‌دیده کرده است.

در خصوص شبهه نوع دوم، برخی به سراغ اصول عملیه رفته و اصالة البرائة (عدم مسؤولیت برای همه افراد جمع) را پذیرفته‌اند. برخی نیز به این‌گونه نظر داده‌اند که برای تعیین مسؤول نهایی باید از طریق قرعه اقدام نمود. گروهی دیگر، با انتقاد بر قرعه بیان داشته‌اند که باید به سراغ قاعده عدل و انصاف رفته و مسؤولیت را بین افراد جمع توزیع و تسهیم نمود. در حقوق موضوعه، مقررات مدنی در این رابطه ساکت است. در قانون مجازات ۱۳۹۲ سبب مجمل با صراحت بیشتری مطرح شده که در مورد قتل، مسؤولیت بیت‌المال و در غیر قتل، مسؤولیت مساوی متهمان را مورد پذیرش قرار داده و در مواردی که اقرار چند نفر منجر به بروز علم اجمالی گردد، به مجنی‌علیه یا ولی دم اختیار مراجعه به هر یک از اسباب مجمل داده است. قانونگذار، قضات و حقوقدانان، همگی تلاش کرده‌اند راهی برای آشتی‌دادن رابطه سببیت با ضرورت حمایت از زیان‌دیده بیابند. «تحولات اجتماعی - اقتصادی دهه‌های اخیر به ویژه تشکیل جامعه به اصطلاحاً مصرفی، سبب شده است که این مقوله اهمیتی دوچندان پیدا کند. بررسی اجمالی نظریه‌های مطرح‌شده در برخی کشورها بیان‌گر این موضوع است که اکثر قریب به اتفاق آن‌ها، خواه با استناد به نظریه تقصیر، خواه با استناد به نظریه خطر یا تضمین حق، سعی کرده‌اند تا هرچه بیشتر امکان جبران خسارت را برای زیان‌دیده سبب مجمل و ناشناس فراهم آورند» (۲۵).

با توجه به وجود برخی زمینه‌ها در رابطه با سبب مجمل در حقوق ایران (مواد مربوط به منازعه و قتل در قانون مجازات اسلامی)، این مسائل از منظر حقوق ایران نیاز به بررسی عمیق‌تر و در رابطه با امکان تسری این مباحث به مسؤولیت مدنی سبب مجمل بسیار اهمیت

می‌یابد. گسترش تئوری پردازی‌های مربوط به مسؤولیت سبب مجمل بیشتر مرهون رویه قضایی است و نظریات ارائه‌شده با مسائل عملی آمیخته است، لذا شیوه‌های جبران خسارت ضمن متأثر بودن از مبانی کلی حقوق تا حد زیادی به شرایط خاص هر پرونده وابسته است. نتیجه آنکه شیوه‌های قابل اعمال در مسأله سبب مجمل با مبانی پذیرفته‌شده در مسؤولیت مدنی و شرایط خاص هر پرونده ارتباط تنگاتنگ دارد و هدف، رسیدن به شیوه‌ای عادلانه است که از یکسو خسارتی را بدون جبران باقی نگذارد و از سوی دیگر بر هیچ کس بیش از اندازه مسؤولیت بار نشود. در نهایت می‌توان گفت که آنچه در نظریه مسؤولیت سهم بازار آمده است، گرچه در ابتدا با دو شبهه محصور و غیر محصور هماهنگ به نظر می‌رسد، اما در پایان و نتیجه‌گیری از قاعده قرعه پیروی ننموده است و به سراغ قواعد عدل و انصاف رفته و از این منظر به ایشان نزدیک‌تر می‌باشد.

### بررسی تطبیقی قواعد حقوقی و مبانی فقهی مرتبط با نظریه مسؤولیت سهم بازار

مطالعات تطبیقی میان قواعد حقوقی و مبانی فقهی با شاخص‌های نظریه سهم از بازار، حاکی از این مسأله می‌باشد که قواعد لاضرر، اتلاف و تسبیب از حیث رویکرد و ارائه راه حل بیشترین شباهت را با نظریه مسؤولیت سهم بازار دارند که به ترتیب در زیر بررسی و شرح داده می‌شود.

#### ۱- بررسی تطبیقی نظریه مسؤولیت سهم بازار و قاعده لاضرر

یکی از قواعد معروف فقهی که در مباحث مختلف فقه و حقوق آثار فراوانی به همراه دارد. قاعده «لاضرر» می‌باشد. اهمیت قاعده لاضرر به عنوان یکی از قواعد اساسی و بنیادین به اندازه‌ای است که در بیشتر ابواب فقهی از عبادات گرفته تا معاملات مورد استناد و استفاده قرار می‌گیرد. ارتباط این قاعده بدین لحاظ که شباهت آن به مسؤولیت سهم از بازار از حیث بدون جبران نماندن ضرر است که بنا بر تفسیر، هیچ ضرر و زبانی نباید بدون جبران بماند (۲۶). بنابراین اضرار به غیر یا خسارت وارد کردن به دیگران، موجب ضمان و مسؤولیت مدنی می‌شود و عامل زیان را مکلف به جبران آن می‌کند. با توجه به وسعت مفهوم ضرر و بنا بر تصریح بعضی از فقها به شمول آن به خسارات مادی، بدنی و حیثیتی (اصطلاحاً خسارات معنوی)، این استدلال موجه و صحیح به نظر می‌رسد (۲۷)، هرچند با توجه به اختلاف نظرات و مخالفت‌های

دیگر فقها، نمی‌توان این نظر را حکم مسلم دین و شریعت دانست، ولی در این امر شکی نیست که لزوم جبران کلیه صدماتی که عرفاً از مصادیق ضرر است، به نظر بعضی از فقها حکم مسلم شریعت است (۲۸)، لذا اگر گفته نشود که لزوم جبران کلیه خسارات و ضررها در مواردی مانند خسارات ناشی از عوارض داروها بر نسل‌های بعدی، بر مبانی شرعی استوار است، حداقل این ادعا صحیح است که مخالفتی با مبانی شرعی ندارد (۲۹).

مبانی مختلف پیرامون مفهوم این قاعده بدین شرح است:

- نفی احکام ضرری: برخی از فقها معتقدند که مراد از نفی ضرر در حدیث، نفی مشروعیت ضرر در احکام تکلیفی و وضعی است، یعنی حکمی که ضرر از آن ناشی می‌شود، منفی است.

- نفی حکم به لسان نفی موضوع: این نظر مختار آخوند خراسانی است و موضوعاتی که در اسلام ضرری هستند شرع مقدس می‌خواهد، احکام این موضوعات را نفی کند، اما نه به لسان تقدیر حکم و نه به این که «ضرر» گفته و حکم اراده کرده است، بلکه وی می‌فرماید ضرر نیست و یا موضوع ضرری نیست، به این معنی که حکمش نیست.

- نفی ضرر غیر متدارک.

- نهی از واقع کردن ضرر.

- تحریم ضرر به نهی سلطانی و حکومتی (۳۰).

- بدین نحو، با تکیه بر قاعده لاضرر می‌توان دامنه خسارات قابل جبران را بسیار وسیع ترسیم نمود و حکم به جبران ضرر را تنها به موارد تصریح شده در احکام و قواعد خاص (مانند قاعده اتلاف در مورد تلف مال یا غصب در مورد تلف عین یا منفعت مال) منحصر ننمود (۳۱).

- و از سوی دیگر نیز می‌توان با توجه به این که قانون مدنی ایران به عنوان ترجمان فقه امامیه می‌باشد، بسیار ملهم از قاعده لاضرر است که از این جمله می‌توان زمینه‌های استناد به قاعد لاضرر که در بخش‌های گوناگون قانون مدنی موجود است را مشاهده کرد (۳۲) و مانند مباحث مالکیت و اموال، خیارات، عقود معین، حقوق خانواده و... را مثال آورد (۳۳).

- با عنایت به معانی مفردات قاعده لاضرر و معنای ظاهری آنکه نفی هر گونه ضرر و زیان است و وجود خارجی ضرر و زیان به حقوق امری غیر قابل انکار می‌باشد، باید حدیث را بر معنایی حمل نمود که اولاً مطابق با واقع باشد؛ ثانیاً معقول و قابل پذیرش باشد (۳۴).

- در جمع‌بندی، به نظر می‌رسد که مفاد قاعده لاضرر و لاضرار آن است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و این عدم مشروعیت مطلق بوده و مرحله تشریح و اجرای قواعد و قوانین را شامل می‌گردد. به عبارت دیگر پیامبر (ص) ضرر را در مرحله تشریح منتفی می‌داند و در مرحله روابط بین افراد اجتماع نیز اگر کسی به دیگری ضرری وارد کرد، مورد امضای شارع نخواهد بود و از این منظر با اصل جبران خسارت در نظریه مسؤولیت سهم از بازار مطابقت داشته باشد (۳۵). بنا بر آنچه گذشت، لاضرر تنها حرمت تکلیفی را نمی‌رساند، بلکه قانونگذار برای آنکه از تحقق ضرر در جامعه جلوگیری نماید (۳۶).

## ۲- بررسی تشابه نظریه مسؤولیت سهم بازار و قاعده اتلاف

از مطالعه و بررسی نظام مسؤولیت در حقوق اسلامی و ملاحظه نظر فقها و دانشمندان اسلامی برمی‌آید که مسؤولیت در فقه فقط بر یک مبنا استوار نبوده است و در موارد مختلف و با توجه به موقعیت‌های گوناگون درجه مسؤولیت نیز متفاوت است. از آنجا که اصل مسؤولیت در فقه بر مبنای اتلاف استوار می‌باشد و لازم به ذکر است که فقها اتلاف را به مباشرت و اتلاف به تسبیت تقسیم می‌نمایند و برای هر کدام شرایطی برای ایجاد مسؤولیت لازم می‌دانند، می‌توان گفت که در این نظام حقوقی جبران خسارت زیان‌دیده بیش از مکافات‌دادن به عامل آن مورد توجه است. قانونگذار هیچ ضرری را جبران‌نشده باقی نمی‌گذارد، هرچند که عامل ورود آن مقصر نیز نباشد. نکته‌ای را که بایستی توجه داشت این است که ضرر در صورتی جبران می‌شود که ناروا و غیر عادلانه باشد. لزوم ناروایی ضرر در بیشتر موارد ایجاب می‌کند که واردکننده زیان مقصر باشد و گاه نیز بدون تقصیر هم این شرط تحقق می‌یابد که این موضوع از جنبه‌های مورد نظر مسؤولیت سهم از بازار دور می‌باشد و نمی‌توان عنوان مشابهی برای این نظریه در نظر گرفت.

«قاعده اتلاف که در شمار قواعد فقهی مطرح می‌شود، در زمینه اتلاف مال الغیر و مسؤولیت‌های آن صحبت می‌کند و مفاد قاعده این است که هر کس مال دیگری را بدون اجازه او تلف یا مصرف کند یا مورد بهره‌برداری قرار دهد، ضامن صاحب مال است. ضمن این قاعده غالباً از اتلاف بالمباشره و اتلاف بالتسبیب سخن گفته می‌شود، به نحوی که تسبیب در اتلاف نیز یکی از مصادیق اتلاف قلمداد شده است، اما برخی از فقها در باب تسبیب در اتلاف چنین اعتقادی نداشته و تسبیب در اتلاف را به عنوان قاعده‌ای مستقل از اتلاف دانسته‌اند (۳۷)» از

آنجا که به موجب این قاعده، تلف مال غیر موجب ضمان و مسؤولیت می‌شود و عامل زیان ملزم به جبران خسارت وارد به دیگران است، می‌توان آن را دارای ارتباط از لحاظ ورود خسارت به زیان‌دیده و سپس الزام وی به جبران خسارت در خصوص فرآورده‌ی مذکور داد؛ این قاعده به شکل ماده ۳۲۸ قانون مدنی متبلور شده است.

### ۳- بررسی تشابه نظریه مسؤولیت سهم از بازار و اتلاف به تسبیب

بر مبنای این قاعده فقهی هر کس برای تلف مال غیر سبب‌سازی کند، ضامن و مسؤول جبران خسارت وارد به دیگران است. تسبیب یکی از اقسام اتلاف به شمار می‌رود و از این جهت مرتبط با نظریه سهم از بازار، می‌باشد. در تسبیب، مسبب بر خلاف مباشرت، با واسطه موجبات تحقق خسارت یا جنایت را فراهم می‌آورد (۳۸) و از ابعادی با موضوع اصل جبران خسارت هماهنگی دارد.

ارتباط مسؤولیت ناشی از بازار با قاعده تسبیب به این لحاظ می‌باشد که در واقع سبب خسارات به وجودآمده در مصرف‌کنندگان یا به طور دقیق‌تر نتیجه نهایی، یعنی سرطان، اشخاص متولد از آن‌ها در حقیقت غیر مستقیم می‌باشد و از این زاویه سبب به وجودآمدن آن خسارت، فرآورده مذکور می‌باشد که به صورت غیر مستقیم مؤثر بوده است. این منظر، به طریقی مربوط به مسؤولیت مدنی نیز می‌تواند باشد.

در قواعد فقهی همین اندازه که در نظر عرف بتوان اضرار ناروایی به کسی نسبت داد، او ضامن جبران خسارت می‌شود و در این راه وضع روانی و جسمی این عامل سهم ناچیز دارد. جایی هم که مبنای ضمان تقصیر است، این مفهوم جنبه نوعی دارد و معیار داوری درباره آن نظر عرف است، چنانکه هرگاه هرگاه امین مرتکب عملی شود که نوع آن تعدی و تفریط به حساب می‌آید، مسؤولیت پیدا می‌کند، هرچند که از لحاظ او کار ناشایست و قابل سرزنشی انجام نشده باشد.

### نتیجه‌گیری

مسؤولیت سهم بازار برگردان اصطلاحی است حقوقی که تاکنون معادل پارسی آن به کار گرفته نشده است و مشابه آن نیز بدین صورت وجود نداشته است. با توجه به تحلیل‌های پیشین، تمایل حقوقدانان ایرانی به اصل لزوم جبران کلیه خسارات است و قبول این نظریه

منافاتی با مبانی فقهی و اصول کلی حاکم بر قوانین ندارد. مزیت و برتری نظریات فقها در مبنای مسؤولیت این است که می‌توان گفت ایشان، همه نظریات را پذیرفته، لکن هر یک از آن‌ها در جای به خصوص قابل اعمال دانسته‌اند.

می‌توان گفت علی‌رغم احتمال بروز دعاوی با ارکان مشابه با نظریه مسؤولیت سهم از بازار و ابعاد حقوقی متصور بر آن در اصول حقوقی و همچنین فقه اشاره مستقیمی به نظریه سهم از بازار نمی‌شود و سکوت قانونگذار در خصوص موارد مشابه و گسترش انواع دعاوی حقوقی و عدم کفایت راه حل‌ها فقهی در این مورد، ابتدا لازم است تا مباحثی از این دست، در بحث‌های حوزوی و دانشگاهی مطرح گردد تا پس از حصول آشنایی لازم و به وجود آمدن بستر تحقیقاتی، وارد عرصه قانونگذاری و تصریح به آن گردد.

با توجه به غنای قواعد فقهی مرتبط در مبنای مسؤولیت و لزوم جبران ضرر و خسارت مرتبط، قانونگذاری در این موارد لازم و در دسترس می‌باشد که نتیجه آن سبب طرح، بحث و بررسی بیشتر موضوعات نوین حقوقی و ارتقای دانش حقوقی در این زمینه می‌گردد. یکی از آن قوانین، قانون مسؤولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹، خصوصاً ماده ۱۱ و همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۳۵۴ که به موجب ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون داخلی کشور ایران است که برگ تازه‌ای است در احیای قانون مسؤولیت مدنی و معاهدات بین‌المللی که متروک مانده و رویه قضایی هم بدان‌ها توجهی نداشته، با استناد به موارد مذکور نیاز به یک دگرگونی و تحول قضایی در حوزه مسؤولیت مدنی دولت و جبران خسارت معنوی زیان‌دیدگان و لزوم به روزرسانی قوانین و مقررات حوزه پزشکی و سپس بیمه‌ای در این زمینه مشاهده می‌گردد که نشان از توجه فقها و قانونگذاران به لزوم حمایت حقوقی و قانونی از زیان‌دیدگان موارد مصرف داروها و وجود سازکار از پیش تعیین‌شده قانونی در حمایت از بیماران باشد.



**References**

1. Eshghi P, Abdolmajid CH. Comparison of the Legal, Social and Economic Consequences of Blood Transfusion in Iran and the World. *Blood Quarterly* 2009; 4(22): 42-47. [Persian]
2. Eshghi P, Abdolmajid CH. Comparison of the Legal, Social and Economic Consequences of Blood Transfusion in Iran and the World. *Blood Quarterly* 2009; 4(22): 42-47. [Persian]
3. Available at: <https://www.isna.ir/news/93012811477/>.
4. Mark GA. The Doctrinal Unity of Alternative Liability and Market-Share Liability. *University of Pennsylvania Law Review* 2006; 155(2): 447-501. Available at: <http://www.pennlawreview.com/print/?id=116>.
5. Sindell V. *Abbott Laboratories* (1980) 26. Supreme Court of California. 607 P.2d 924, 26 Cal. 3d 588, 163 Cal. Rptr. 132, March 1980, Docket No. L.A. 31063. Available at: <https://www.courtlistener.com/opinion/1177800/sindell-v-abbott-laboratories/>.
6. Alavi S, Ghedsieh and others. Investigating the rate of breast and cervical cancer screening tests among midwifery and gynecologists. *Iran's Midwifery and Infertility Women* 2010; 13(1): 1-6. [Persian]
7. Available at: <http://online.ceb.com/calcases/C3/26C3d588.htm>.
8. Available at: <http://www.casebriefs.com/blog/law/torts/torts-keyed-to-prosser/causation-in-fact/sindell-v-abbott-laboratories/2/>.
9. English Legal Term: Alternative Liability.
10. Available at: <http://law.justia.com/cases/california/supreme-court/3d/26/588.html>.
11. Available at: <http://scocal.stanford.edu/opinion/sindell-v-abbott-laboratories-28157>.
12. Epstein RA. *Cases and Materials on Torts*. 8th ed. New York: Aspen Publishers; 2004.
13. Rostron A. Beyond Market-Share Liability: A Theory of Proportional Share Liability for Nonfungible Products. *52 UCLA L. REV.* 151, 160. 2004.
14. Gilberti FJ. Emerging Trends for Products Liability: Market Share Liability, Its History and Future. *15 Touro L. Rev.* 1999. p.719.

15. Badini H. Rules governing the simultaneous application of compensation systems (Civil liability insurance and social security). *Laws* 2008; 38(2): 39-68. [Persian]
16. Yazdanian AR, Habibian H. Determining the Responsible for Compensation of Nuclear Damage, According to the International Conventions of Nuclear Liability and the Iranian Legal System. *Legal Studies* 2014; 6(2): 155-187. [Persian]
17. Safari M. Civil responsibility; Summary. *Faculty of Law and Political Science (University of Tehran)* 2000; 0(49): 55-86. [Persian]
18. Ashuri M. The need to compensate for innocent prisoners; *Faculty of Law and Political Science (University of Tehran)*. Fall and Winter 1974; 1(15-16): 1-14. [Persian]
19. Babaei I. Critique of the principle of the ability to compensate for all damages in Iran's civil liability law. *Public Law Research* 2005; 7(15-16): 45-82. [Persian]
20. Mousavi SF, Qayasin F. Indicators; *Environmental Compensation in International Law*. *Laws* 2011; 41(1): 327-346. [Persian]
21. Mousavi Bojnourdi SM, Chenrichi V. Responsibility for paying the Diyat from Beit Elmal on the basis of the jurisprudential principle of al-Khazraj's view according to Imam Khomeini's view. *Matin Journal* 2011; 13(50): 23-34. [Persian]
22. Yazdanian AR, Habibian H. Compensation for Nuclear Accident Damages in International and Iranian Laws. *Legal Studies* 2014; 6(2): 155-187. [Persian]
23. Mousavi Bojnourdi SM, Chenrichi V. Responsibility for paying the Diyat from Beit Elmal on the basis of the jurisprudential principle of Al-Khazraj's view according to Imam Khomeini's view. *Matin Journal* 2011; 13(50): 23-34. [Persian]
24. Bay HA. Principles for paying Diyat from Beit Elmal. *Jurisprudence and Law* 2005; 2(5): 65-86. [Persian]
25. Mohseni H, Moradi Nejad R. A Comparative Study of Remedies for Unconscionable Losses in Civil Liability. *The Laws of the Forty-Spring* 2010; 40(1): 297-316. [Persian]

26. Kaviani MH. The rule of disbelief and conflicts between individual and community in society. *Jurisprudential Research* 2012; 8(1): 71-103. [Persian]
27. Ghahremani N. A comparative study of how to eliminate the conflict of the principle of diligence with the rule of law. *The Bar Association* 2005; 37(188-189): 113-126. [Persian]
28. Rezaei Rad AH. The Effectiveness of the Rule of Law. *Islamic Law* 2010; 7(25): 63-90. [Persian]
29. Rahpik S. A Review of the Basis of Loss and its Impact on Losses. *Law Perspectives* 1999; 4(13-14): 35-44. [Persian]
30. Available at: <http://www.rasanews.ir/NSite/FullStory/News/?Id=158583>.
31. Shariatmadar Tehrani M. Therapy of the Thermonist Circuit. The Rule of Laws and Effects on the Alimony, *Islamic Studies* 2002; 18(57): 185-206. [Persian]
32. Bagheri Asl H. Application of Unlawful Rule in Iranian Civil Law. *Allameh Fall* 2007; 7(15): 1-24. [Persian]
33. Khalili M. Thesis to Mohammad Taqi Fakhlaghi; Study of the Applied Fields of the Rule of Law in Iranian Civil Law, along with its jurisprudential analysis. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Theology and Islamic Education; 2011. [Persian]
34. Naghibi SA. Theory of Compensation for the Intellectual Rights of the Child. *Jurisprudence and Family Law* 2004; 8(32): 58-92. [Persian]
35. Hosseinzadeh Yazdi M. Study of the Political Consequences of the Rule of Law. *Political Knowledge* 2012; 4(7): 5-30. [Persian]
36. Elahi Khorasani A. Application of the Rule of Wrong and Lazdar in the jurisprudential review of AIDS. *Jurisprudence* 2012; 19(2): 3-32. [Persian]
37. Rahbar M, Sa'adat S. Reviewing the rule of Tassib with an approach to the views of Imam Khomeini. *Matin Research Journal* 2009; 12(45): 79-104. [Persian]
38. Mahdavi Rad V. The role of the custom in determining the realm of instances of shabby from the point of view of jurisprudence. *Knowledge* 2011; 17(65): 211-237. [Persian]